

نگاه درازمدت و سرنوشت

کدام انرژی و انگیزه است که شهروندی را اقناع می‌کند که هفته ای حداقل سه بار و هر بار، حداقل یکساعت ورزش جدی کند؟ و در هر شرایطی، این ورزش را به عنوان برنامه ثابت خود قلمداد کند.

نگاه درازمدت و سرنوشت

دکتر محمود سریع القلم/استاد تمام علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی



از عمر بسیاری از ساختمان‌ها در وین، برلین، فلورانس و مادرید چند قرن می‌گذرد و علی‌رغم تغییرات بنیادی در مشاغل و سبک زندگی، همچنان قابل استفاده هستند. بعضی افراد روزی دوبار بیشتر چای نمی‌خورند و یا سیستم تغذیه خود را به گونه‌ای مدیریت می‌کنند که بعد از ساعت هشت شب، دیگر چیزی نخورند. باز افرادی پیدا می‌شوند که از اتومبیل، کفش، بهداشت دندان، لباس و چشم خود مراقبت می‌کنند. کدام انرژی و انگیزه است که شهروندی را اقناع می‌کند که هفته ای حداقل سه بار و هر بار، حداقل یکساعت ورزش جدی کند؟ و در هر شرایطی، این ورزش را به عنوان برنامه ثابت خود قلمداد کند.

بعد می‌رسیم به مدارهای بزرگتر زندگی. کدام فکر و انرژی موجب می‌شود تا فرد، از زبان و نحوه صحبت کردن خود با دیگران مراقبت کند؟ چگونه می‌شود یک دوستی، به مدت نیم قرن تداوم پیدا می‌کند؟ چگونه می‌شود دو نفر در حدی وصف‌ناپذیر بهم اعتماد می‌کنند؟ چگونه یک کار مشترک اقتصادی و یا یک طرح اجتماعی آغاز شده، به پایان می‌رسد و سرآغاز کارهای مشترک بعدی می‌شود؟ چه نوع محاسباتی در ذهن اعضای یک خانواده صورت می‌گیرد تا کلید منزل خود را به دیگری بدهند؟ چگونه می‌شود مردم به محصولات یک شرکت نسبت به دیگر شرکتها، بیشتر اعتماد پیدا می‌کنند؟ چرا در تمامی محصولات، بعضی شرکتها و نام‌ها، سرآمد هستند؟

باز می‌رسیم به مداری بزرگتر. رابرت موگابه (رئیس‌جمهور سابق زیمبابوه) و نلسون ماندلا هر دو علیه استعمار و نژادپرستی سالها مبارزه کردند اما وقتی به قدرت رسیدند، دو نوع بسیار متفاوت رفتار کردند. نلسون ماندلا علی‌رغم اصرار مردم فقط یک دوره ریاست جمهوری قبول کرد، ولی رابرت موگابه با فشارهای داخلی و بین‌المللی پس از ۳۷ سال قبول کرد از قدرت کناره‌گیری کند. تاریخ از موگابه به نیکی یاد خواهد کرد ولی ماندلا، الگوی درستی، انسان دوستی، انصاف، گذشت و صداقت باقی خواهد ماند. چرا این دو انقلابی، در قدرت دو نوع رفتار کردند؟ نگاه درازمدت ماندلا به قدرت باعث شد تا مدت زمان ریاست جمهوری خود را محدود کند. چگونه یک کشور و یا یک ملت در دنیا خوش نام می‌شوند؟ چرا دانمارک و دانمارکی‌ها، ها، نورژ و نورژی‌ها و ویتنام و ویتنامی‌ها در صدر اخبار جهان نیستند؟ زیرا می‌دانند برای رشد و توسعه، باید خیلی سر و صدا نکرد. چرا ۴/۵ میلیارد نفر آسیایی به آرامی در حال ثروتمند شدن هستند؟ ولی خاورمیانه با ۴۱۵ میلیون نفر جمعیت، یک سوم واردات اسلحه جهانی را دارد و در پنج سال اخیر، واردات تسلیحات آن، ۸۷ درصد افزایش یافته است چون خاورمیانه‌ای‌ها، مسائل امنیتی را میان خود حل نکرده‌اند. چرا بعضی کشورها بدون منابع طبیعی مانند کره جنوبی، موفق و برتر می‌شوند؟ (تولید ناخالص داخلی: ۱/۵۳ تریلیون دلار) ولی روسیه با منابع طبیعی بسیار ممتاز، ریشه‌ها می‌شود ۱۱ ساعت فاصله زمانی در جغرافیای پهناور آن، به تقریباً تساوی تولید ناخالص داخلی با کره جنوبی دست می‌یابد. (تولید ناخالص داخلی روسیه: ۱/۵۷ تریلیون دلار). چرا خروجی‌ها اینقدر با هم متفاوت است؟ آیا ریشه این خروجی‌ها در فکر است یا منابع طبیعی؟

طبیعی است که سرنوشت افراد، جوامع، بنگاه‌ها و کشورها دلایل متنوعی دارد ولی مطالعات گسترده توسعه کشورها به وضوح نشان می‌دهد که روش و نحوه فکر کردن و مجموعه افکاری که در نخبگان سیاسی کشورها جاری است و در نهایت با سیستم آموزشی، رسانه‌ها و قرارداد اجتماعی به جامعه منتقل می‌شود، تعیین‌کننده است. دو واژه و مفهوم در اینکه چرا خروجی‌ها اینقدر با هم متفاوت هستند کلیدی‌اند. اول، مفهوم مراقبت و نظارت و دقت در برخورد و دوم، مفهوم درازمدت فکر کردن، محاسبه کردن و برخورد کردن با موضوعات و پدیده‌ها. از بند کفش گرفته تا جاده‌ها، از بهداشت دندان گرفته تا زیر یک درصد نگر داشتن نرخ تورم، از چک‌های مرتب اتومبیل گرفته تا برداشتن ویزا میان همسایگان، از خوب نگه داشتن تلفن همراه گرفته تا تنفس هوای پاکیزه برای شهروندان، از وسط صحبت دیگران نپریدن گرفته تا کسب سهم بازار مطمئن جهانی در کالاهای رقابتی و صدها موضوع دیگر عموماً محتاج مراقبت دائمی و از آن مهم‌تر داشتن دید و افق درازمدت است. آدمی برای آنکه بخواهد چیزی را برای درازمدت داشته باشد بیشتر مراقب است الان چه می‌گوید، چگونه رفتار می‌کند و یا به چه صورت واکنش نشان می‌دهد. اگر فردی در بیست سالگی به خود بگوید: من از دندان‌های خود می‌خواهم شصت سال دیگر استفاده کنم، به نوعی دیگر و با دقت بالا و هر روز از دندانهای خود مراقبت می‌کند.

اگر مردم یک جامعه به خود بگویند این کشور، دهه‌ها بلکه قرن‌ها باید با ثبات، پیشرفته و محترم باقی بماند، از آشغال پرت نکردن گرفته تا تلاش برای حفظ کشور، کوشش می‌کنند.

شاید مهم‌ترین معیار در حفظ همسایگی، دوستی، کار اقتصادی و مراودات، نگاه درازمدت است. وقتی شخصی، کسی را پدیده‌های درازمدت تلقی کند به او دروغ نمی‌گویند زیرا دروغ بالاخره برملا می‌شود؛ حال دو ساعت طول بکشد یا دو دهه. وقتی هم برملا شد، به اعتماد و همکاری به شدت لطمه می‌زند. بین شفاف بودن ژاپنی‌ها و اعتبار کالا و کشورشان در جهان، رابطه‌های عمیق وجود دارد زیرا شفافیت، اعتبار و اعتماد می‌آفریند. وقتی به موضوعی درازمدت بیندیشیم ابهام کم می‌شود. ژاپنی‌ها دنبال این نبوده‌اند تا شش ماه، مصرف کنندگان را راضی نگه دارند. بلکه استراتژی، راضی نگه داشتن مصرف‌کنندگان کالاهای ژاپنی و سرمایه‌گذاران خارجی برای دهه‌هاست و بر همین اساس، ژاپنی‌ها شفاف عمل می‌کنند تا اعتبار کسب کنند. رفتارهای اثباتی، متداوم

و قابل پیش‌بینی است که به کارآمدی و رشد می‌شود؛ انجام آنچه که بدان Consistency گویند. از این شرمناک، رو، کسب اعتماد و اعتبار یک فرد، یک بنگاه و یک دولت از آنجا ناشی می‌شود که کارها را شفاف، منظم و با یک دید بیست، سی و یا چهل ساله انجام دهد. چنین رهیافتی، دروغ و بی‌شرمناکی؛ صداقتی را به حداقل ممکن تبدیل می‌کند و سرنوشتی با کیفیت و رضایت می‌سازد.

t.me/bestdiplomacy